



اللهم كن لوليک الحجة بن الحسن صلوات علیه وآبائه في هذه ساعة و في کل الساعة
وليا و حافظا و قائدا و ناصرا و دليلا و عينا حتى تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فيها طويلا

يا لطيف

باز هم افتخار نصيب من شد که در اين مکان بسيار نورانی و در ميان شما نورانيان و یک بحث نورانی - پس شد نور علی نور - در خدمتتون باشم. قبل از شروع بحث رجعت که بحث بسيار مهم و زیباییست یک مطلب رو بگم خدمت شما؛

بينيد ماها خیلی وقتها فريب عشق رو می خوريم، فکر می کنيم عاشق امام زمانيم و خوبه ديگه، عشق تازه اگر هم حقيقي باشد، حال آن که خیلی هم عشق های ما سر و تهش معلوم نیست. عشق خوب است اما کافی نیست، ما نیاز به هنر عشق ورزی داریم. عشق بين هر چیزی امکان دارد فروکش کند، قرآن در رابطه با عشق زن و شوهر می فرماید که وقتی صيغه محرمیت و نکاح دائمی منعقد شد، ما ميان زن و مرد مودة برقرار می کنيم؛ اين عشق عالی، فراتر از محبت است، بعد فرمود: و رحمة (روم - آیه ۲۱) انتهای مودة، رحمته يعنی اگر تونستم از اين مودتی که خدا بين زن و شوهر برقرار کرده استفاده بهينه رو ببرم و هنر عشق ورزی رو ياد بگیرم، آرام آرام تبديل به محبت می شه.

برادران، خواهران! مودة بين ما و حضرت بقیة الله اعظم (روحی له الفداه) طبق آیه قرآن لازم است « قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، سوره شوری، آیه ۲۳ » اين رو بايد آياری کنيم يا به تعبير امروزی ها آپديت ش کنيم. راه های مختلفيه، من فقط یک مورد رو درباره طليعه بحثم بگم: حتما بايد هنر عشق ورزی داشت، ابراز بايد کرد اين عشق رو، آياری بايد کرد اين عشق رو؛ « اللَّهُمَّ أَنَا نَرْغَبُ - دعای افتتاح » يعنی همين ديگه « نَرْغَبُ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ » بی تابی، اضطرار.

یک پیشنهاد میدم خدمت شما، ضمير ناخودآگاه خود، فرزندان، خانواده، پدر، مادر، برادر، خواهر خودتون رو یک کاری کنید هر روز با یک ابراز عشق به حضرت آياری کنید؛ پیشنهاد میدم ها سه تا صندوق صدقه در منزل قرار بدید با سه عنوان، هر صندوق و یک برچسب بزنید، صندوق اول برچسب بزنید صدقه برای سلامتی امام زمان (عليه السلام) که کاش از امروز به بعد صدقه های من کلا مخصوص حضرت بشه ديگه، برای خودم فاکتور بگیرم، خود حضرت هوای من رو داره؛ من برای حضرت صدقه بدم، او برای نسل من صدقه خواهد داد، برای آینده هایی که هنوز نیامده حضرت صدقه خواهد داد. صندوق دوم، برچسب بزن صدقه برای آمدن امام زمان؛ چقدر خوبه نه؟ سوم صدقه به نيابت از امام زمان، بعد به کودکت بگو که خب پسرم امروز به کدوم صندوق پول انداختی؟ می گه: بابا، مامان اون صندوقی که به نيابت از امام زمان بود پول انداختم... بارک الله می دونی از طرف امام زمان (عليه السلام) دست یک فقیری رو گرفتی، فوق العاده است. طبق گفته روانشناسان ضمير ناخودآگاه من حتی ۱۰ روز اگر آغشته بشه به یک ظاهر سازی های زیبا، اين ضمير ناخودآگاه تبلور در آن پیدا می کند؛ آرام آرام و طبق مبانی دینی ما چهل روز « مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا أَجْرَتَيْنَا بِيَعِ الْحِكْمَةِ مَنْقَلِبِهِ عَلَى لِسَانِهِ - بحار الأنوار ۶۷ ۲۴۲ باب ۵۴ » چهل روز برای حضرت کاش بمائيم.

رجعت :

رجعت بحث خیلی مهمیه، یک بحثیه که مظلوم واقع شده، ناقص مطرح می‌شه حتی امروز هم اگه خدا توفیق بهم بده خدمتون باشم و به ناچار هر چی هم سرعت بدم باز هم ناقص مطرح خواهد شد!

بحث رجعت رو هر روز صبح شما در دعای عهد می‌خوانید دیگه «اللَّهُمَّ إِنِّ حَالٌ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًا فَأَخْرِجْنِي مِنَ قَبْرِی» من قبلش یک سوال مطرح کنم: **رجعت چه زیبایی‌هایی دارد؟** من می‌گم زیباترین بحث مهدویت، بحث رجعت.

رجعت یک بحثیه که اصلا حد و حصر رو متلاشی می‌کند برای یک عاشق. عمر اصلا و ابد اذیتش نخواهد کرد که حالا تمام بشود یا نشود «اللَّهُمَّ إِنِّ حَالٌ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ... فَأَخْرِجْنِي مِنَ قَبْرِی» اصلا مرگ بیاد، مرگ اگر مردی بگو نزد من آیی / تا در آغوش بگیرم تنگ تنگ.

مرگ بین من و امام زمانم فاصله نخواهد انداخت «فَأَخْرِجْنِي مِنَ قَبْرِی» همین الان اون‌هایی که از دنیا رفتند گاهی به بچه بازی‌های ما می‌خندند؛ اینارو نگاه کن، گیر کردن به بعضی چیزای تو دنیا... و چه مهماتی که بهش کم توجه اند! خیلی از وقت‌ها - اونایی که از دنیا رفتند - چون به حقیقت رسیدند، به ما می‌خندند. عرض من اینه: این انسان نازنین، ملکوتی، فوق العاده، الهی حالا از دنیا رفت، تازه زندان تمام می‌شه، وارد «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي» - سوره فجر، ۲۹-۳۰ می‌شود، وارد بهشت برزخی می‌شود، سكرات موت، فشار قبر، مریضی‌ها، فقرها، ظلم‌ها، همه رو پشت سر گذاشته؛ تازه رسیده به یک آرامش، یهو می‌گن امام زمان (علیه السلام) آمد بعد همین آدم نورانی چشمش به خداست، آخدا! می‌شه بزم گردانی؟ بابا چته، تازه آرام شدی، کجا می‌خوای بری؟ باز همون گرفتاری‌ها. می‌گه: نه

سائل توست کسی کز تو، تو را خواهد و بس آن که شد طالب تو، در طلب درهم نیست

خصوصا اگر بفهمی و بهت بگن که کنار بقية الله الاعظم، اولین رجعت کننده، وجود با کرامت امام حسین (صلوة الله عليهم اجمعين) است. این که شب عاشورا زهیری که **یه مدت فراری بود** بعد عاشق شد، به محضی که عاشق شد به ابی‌عبدالله عرض کرد: آقا جان، اگر صد بار قطعه قطعه بشم دوباره برگردم، دوباره دوست دارم در رکاب تو به شهادت برسم، اینه دیگه عشق. وقتی **آسیه زن فرعون** دعا می‌کند: خدایا یک غرفه ای، یک بهشتی، قید می‌کنه کنارش که: خدایا بهشت در کنار خودت وگرنه جنت بی تو عذابش ز جهنم کم نیست. می‌خوام بگم آقا رجعت، آنقدر زیبا است...

رجعت اون قدر مهمه، اون قدر زیباست که تو رو خدا - به خودم هم میگم - تا دیر نشده یک کاری کنید که وقتی برگشتید یک پیشانی بند سبزی بر جبین شما نقش بسته باشه، و وقتی از امام شما سوال کرده باشند که اینا کین که برگشتن؟ حضرت برداره در جواب سوال کنندگان بفرماید که: این‌ها جزء یاران خودم هستند، من تربیتشون کردم.

دیر می‌شه ها! اگر برای رجعت کاری نکنیم. به والله اون قدر حسرت می‌خوریم وقتی یه عده از یاران حضرت برمی‌گردن و من هر چی بگم آخدا، منم برگردان، منم می‌خوام برگردم. خدا به من پاسخ بده که برگردی چی؟ می‌خوای چیکار کنی مثلا؟ وقتی بودی چه کردی که الان برت گردانم؟! رجعت مال خواص هست.

امام صادق فرمود: «اگر چهل صباح دعای عهد را بخوانی، جزء رجعت کنندگانی»
کاش هنگام دعا لب ز میان برمی‌خواست بی میانجی گری لب، تو فقط بودی و من

به قول یکی از صاحب نظران آلمانی، او می‌گفت: عجیب اند این شیعیان! هر روز صبح می‌گن: **اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَتِي يَوْمِي هَذَا**؛ این شیعیان حتما یک روز دنیا رو فتح خواهند کرد. می‌گیم: برای چی؟ می‌گه: این قدر این‌ها در ضمیر ناخودآگاه خودشون القا می‌کنند که «أَجِدِد، أُجَدِّد: تجدید پیمان، تجدید پیمان» یک روزی کار دست ما خواهند داد "تجدید پیمان"
دعای عهد، چون بحث رجعت است این‌ها رو من می‌گم، من ضعیف به این نتیجه رسیدم که از زیباترین دعاهاست، کدوم دعا به این عظمت می‌رسد؟ که امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «هر کلمه دعای عهد، هزار حسنه خدا بهت می‌دهد» مگه چیه این دعا؟ یعنی چی هزار حسنه میده؟ شما نگاه کنید یک سلام می‌خواهید به امام زمان (علیه‌السلام) بدهید قبلش این قدر در لحافه‌های نورانی این کلام را می‌پیچانی **«اللَّهُمَّ رَبَّ النَّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ رَبَّ الْبَحْرِ مَسْجُورِ وَ مُنْزِلِ التَّوْرَةِ ..»** تا آخر... که چی؟ **«بَلِّغْ مَوْلَانَا الْاِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِي (سلام الله عليه)»** مگه چیه این دعای عهد؟ کدوم دعا این همه عظمت؟ فرمود: «هر کلمه دعای عهد، هزار حسنه داره و هر کلمه دعای عهد هزار سیئه رو بر می‌دارد»

یابن الحسن چقدر کم لطفم! صبح‌هایی هم که دعای عهد را می‌خوانم یک چشم باز، یک چشم بسته! نکنه یک بار خوابم بپره. با همون لباس‌های از جا بلند شده‌ها، گاهی وقت‌ها باز زیر پیرهنی **«اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا»** بابا یک سرباز وقتی کنار یک فرمانده می‌ایسته، بند پوتین او باز باشه تشر بهش می‌زنن. حالا من آدم تجدید عهد بیندم؟! بند پوتینم بازه، دکمه‌ها بازه، چقدر بی ادبم من! چه جوری می‌خوام با تو تجدید عهد بیندم. چهل صباح یعنی دعای عهدی که هزار حسنه بدهد، چهل صباح یعنی دعای عهدی که هزار سیئه رو بردارد، بعد تو رو نور کنه طوری که وقتی از دنیا رفتی جالبه... خیلی... اصلا من عاشق بحث رجعتم خصوصا روی این ظرافت‌هاش، وقتی که از دنیا رفتی اولین کسانی که از آمدن امام زمان (علیه‌السلام) مطلع می‌شوند مردگان در عالم برزخند و چنان این‌ها نگاه به خدا می‌کنند، برمون گردون بعد یک لیست از جانب حضرت تقدیم پروردگار می‌شود؛ آخدا اون خوبان خوب و اون بدان بد، این‌ها که برمی‌گردند درست، اما آخدا منم برم گردان...

می‌دونی ماها نشناختیم امام زمان (علیه‌السلام) و... ماها بی تاب حضرت نشدیم! **«إِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا- بحار الانوار، ج ۴، ص ۴۳»** نه؟ بذار بمیریم بعد بر سر خود خواهیم زد. وای چه دوره‌ای رو از دست دادیم، دوره‌ای که زین العابدین و سید الساجدین حتی حسرت این دوره رو می‌خورد **« وَ أَسْرَعِهِمْ إِلَى حَاجَتِهِ »** وای چه امامی رو قدرش نشناختیم، امامی که علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: **«بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي - شيخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶»** مهدی من، خودم، پدرم، مادرم فدای تو... بعد **«اذا ماتوا انتبهوا»** تازه می‌فهمیم مهدی (سلام الله) یعنی چی؟ به قول هانری کربن: **«یعنی عصاره، عصاره خلقت»**... برم گردان، برم گردان. فوق العاده است این برم گردان، حالا بریم روی بحث رجعت، این بحث رو مطرح کنیم. ان شاء الله امیدوارم بتونم از پشش بریام، بحث دقیقه، بحث فوق العاده‌ایه، حضرت کمک کنه، برای سلامتی وجود نورانی ایشان یک صلوات بفرستید.

رجعت در لغت :

رجعت از نظر لغت اگر بخواهیم معنا کنیم: «الْعَوْدَةُ إِلَى الْحَيَاةِ الدُّنْيَا بَعْدَ الْمَوْتِ» این رو در کتب لغوی بهش رجعت می‌گن: برگشت به سمت حیات دنیا بعد از موت یا مثلاً این تعابیر لغوی هم هست: «فَلَانٌ يُؤْمِنُ بِالرَّجْعَةِ» مثلاً فلان آدم ایمان به رجعت دارد «أَيُّ بِالرُّجُوعِ إِلَى الدُّنْيَا بَعْدَ الْمَوْتِ» این معنی لغوی رجعت.

در مفردات راغب هم همین مدل اشاره شده که الان من یک بخش از کلام مفردات راغب (اصفهان) رو بیارم خدمت شما: «الرُّجُوعُ: العودُ إلى ما كان منه البدءُ» از اون جایی که آغاز کرده برگردد، عود. گاهی ما اشتباه می‌گیم، می‌گیم آقای فلانی مراجعه کرد در حالی که دفعه اولشه، نه دیگه مراجعه یعنی جایی که بود، رفته بود، دوباره برگشت و «الرُّجُوعُ: الإعادة؛ برگشتن یا برگرداندن هم می‌شود که پایین الان می‌گیم» «رجوع» به معنای بازگشت به چیزی که شروع از آن بوده و «رجع» به معنای برگرداندن هم می‌شه. پس رجعت هم بازگشت، بازگشتن، بازگرداندن، این‌ها همه معانی رجعت رو داره. «فَإِنَّ رَجْعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ، سوره توبه آیه ۸۳» اگر خدا برگرداند یا «إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ، سوره طارق آیه ۸» این جا ببینید رجع به معنای برگرداندن «خدا بر، برگرداندن شما قدرت دارد (لقادر)».

رجعت در ادعیه و روایات:

کلمات مترادف رجعت در روایات و ادعیه هست مثل این چند تا کلمه «كِرُّ يَكِرُّ كِرَّةً» در روایات داریم، الان می‌گیم مثل چی، مثلاً: «وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَكِرُّ فِي رَجْعَتِكُمْ، زیارت جامعه» خدایا من رو از جمله کسانی قرار بدهد که برم گرداندند در رجعت آنها، پس يَكِرُّ هم به معنای برگشت هست یا مثلاً این روایت که خیلی به درد ما خواهد خورد، این روایت مورد بحث قرار خواهد گرفت: «أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ (عجل الله تعالی فرجه شریف) وَ يَوْمُ الْكِرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ، بحارج ۵۳ ص ۶۳» ایام الله سه بخش است: روزی که حضرت بیاید و روز رجعت (یوم الكرّه) و روز قیامت (و یوم القیامه) به عنوان کلمه «ایام» هم می‌آید: «أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ، زیارت أربعین» ایابکم هم اینجا به معنای رجعت: برگشت، بازگشت.

رجعت در اصطلاح:

در اصطلاح رجعت با فتح راء در نزد شیعه اینه: «اینکه خداوند عده‌ای را در همین دنیا " به همان صورت پیشینشان؛ این خودش باز یک نکته است "برخواهد گرداند این امر کی اتفاق می‌افته؟ حالا این خودش یه بحثیه. آیا رجعت عند القیامه هست، آغاز قیام هست؟ یا زمان حکومت و ثبات حکومت هست؟ کی هست؟ حالا بررسی‌ش خواهیم کرد که کی خواهد بود. شیخ مفید (رضوان الله تعالی علیه) این جوری یک تعبیر جالبی داره در کتاب أوائل المقالات خودش، ص ۷۸ خیلی نکته زیبایی دارد: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَرُدُّ قَوْمًا مِنَ الْأَمْوَاتِ إِلَى الدُّنْيَا فَيَصَوِّرُهُمْ: همانا خداوند متعال گروهی از اموات را به همان وضعیتی که بوده‌اند برمی‌گرداند... این رو می‌خوام خیلی دقت کنیدها، بعضی از نکات کلیدی در بحث رجعت که بعد اشکالاتی مطرح می‌شود که ما با توجه به همین کلید واژه‌ها می‌تونیم اون اشکالات رو جواب بدیم.

شیخ مفید شاید زیباترین تعریف رو کرده: خداوند متعال گروهی از اموات را به دنیا «فِي صُورِهِمُ الَّتِي» در همان صورتی که «کانوا علیها» بوده‌اند (همون مدل و صورتی که بودند، طرف بگه: آخدا حالا که منو برمی‌گردانی، سیاه پوست بودم، سفید پوستم برگردان! نه همیشه، یا مثلاً دماغم این‌جوری بود، اون‌جوری برگردان! یا اصلاً دلم می‌خواد در یک کالبد دیگه ای بیام، نه)

«فَيَعِزُّ مِنْهُمْ قَرِيبًا وَيُذَلُّ قَرِيبًا» باز این جا یک نکته دیگری ثابت می‌شود. اون‌هایی که در رجعت برمی‌گردن به عده اون‌ها عزیز می‌شوند در رجعت، یه عده اون‌ها ذلیل می‌شوند، پس معلومه در رجعت هم خوبان میان هم بدان.

آیا اهل سنت رجعت را قبول دارند؟

رجعت از ضروریات مذهب جعفری است، یعنی چی از ضروریات؟ جزء مذهب یعنی چی؟ «قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): لَيْسَ مِنْنَا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا، مِنْ لَاحِظِرِهِ الْفَقِيهِ، ج ۳، ص: ۴۵۹» میشه ضروریات... یعنی اگر قبول نکردی، اصلاً تو شیعه نیستی، این قدر بحث رجعت مهمه، نیست از ما کسی که ایمان به آمدن دوباره ما نداشته باشه، پس معلومه یکی از کسانی که برمی‌گردن کیان؟ حضرات معصومینند (صلوة الله عليهم اجمعين) همینه که امام صادق (عليه السلام) فرمود که: «اگر من زمان مه‌دیم رو درک بکنم، تمام عمرم رو به او خدمت خواهم کرد - الغيبة النعمانی/ ۲۴۵» اگر حضرات معصومین برگردن، حرف اول و آخر رو کی می‌زند؟ واقعا بحثه...

خب اما رجعت از نظر اهل سنت: برخلاف عقیده شیعه، اهل سنت اعتقادی به رجعت ندارند و حتی اون رو خلاف عقاید اسلامی می‌دانند! می‌گن... خیلی عجیبه! یکی از بحث‌های خیلی جنجالی بحث رجعت. شیعه میاد بحث رجعت رو جزء ضروریات مطرح می‌کند و اهل سنت آن را خلاف اعتقادات می‌نامد...

ما مثلاً در بحث رجال... خیلی از وقت‌ها با این چالش رو به رو هستیم. بحث رجال یعنی راوی‌شناسی، باید روات رو بشناسی بعد می‌گی خب این راوی رو باید از کتب رجالی پیدا کرد بعد کتب رجالی اهل سنت وقتی میان پیرامون راویان بحث می‌کنن چون اهل سنت هم راویان شیعه رو قبول دارند هم چنین که ما بعضی از روات اهل سنت رو قبول داریم بعد گاهی از وقت‌ها به بعضی از راویان که می‌رسند این حرف رو می‌زنند: نویسندگان و شرح حال نویسندگان اهل سنت، معتقدان به رجعت رو طعن و رد می‌کنند و آن را نشانه طرد روایت راوی می‌دانند گویا در نظر آنان عقیده به رجعت در شمار کفر و شرک یا بدتر از آن قرار دارد! به این بهانه شیعه را می‌کوبند و ناسزا می‌گویند پس معلومه بحث رجعت یک بحث ناموسی‌ها...

البته در میان اهل سنت افراد بسیار اندکی هستند که به رجعت کسانی - از جمله اصحاب کهف در عصر ظهور مه‌دی (سلام الله علیه) - اشاره کرده‌اند و اعتقاد دارند. این‌ها بحث رجعت یک عده رو می‌پذیرند پس به صورت مطلق در میان اهل سنت، این انکار نیست. اکثر این‌ها نپذیرفتند ولی هستند بینشون کسانی که این تفکر رو قبول کردند.

اثبات رجعت : پس بحثِ رجعت یک بحثِ یه بحثِ فوق العاده مهمیه. بحثِ رو شما هم شرکت کنید تا هم کلاس خسته کننده نباشه، هم منم استفاده کنم که واقعا هر بحث در این رابطه باید به صورت پلکانی، برای ما رشد داشته باشه، و از مباحثی که منتقل میشه استفاده کنیم. خب ببینیم آیا با این ادله می‌شود رجعت رو اثبات کرد یا نه؟

ابتدا بحث **اثبات امکان رجعت** رو مطرح کنیم:

امکان یعنی چی؟ کی می‌تونه بگه؟ یعنی آیا عقل می‌تواند بپذیرد این مساله را؟ آیا عقلا ممکن است؟ چون اهل سنت می‌گن محاله اصلا و ممکن نیست همچین چیزی!

همیشه برای اثبات یک بحثی، ابتدا بحث امکانش مطرح می‌شه؛ آیا ممکن هست یا ممکن نیست؟ ممکن بودن یعنی وقوع آن در خارج، لذا می‌گن: « **أَدُلُّ دَلِيلَ عَلَى إِمْكَانِ شَيْئِهِ وَقُوعُهُ فِي الْخَارِجِ** » بالاترین دلیل بر امکان یک چیزی، وقوعش در خارجه. اگر دیدی یک چیزی در خارج واقع شد بگو **پس ممکنه دیگه** حالا که واقع شده پس امکان وقوع دوباره اش هست.

لذا در بحث طول عمر مبارک حضرت بقیة الله (روحی و ارواحنا فداه) هزار و خورده‌ای سال، آیا ممکن است یا محال؟ می‌گیم: « **أَدُلُّ دَلِيلَ عَلَى إِمْكَانِ شَيْئِهِ وَقُوعُهُ فِي الْخَارِجِ** » اگر در خارج نظیری برای طول عمر داشتیم پس معلومه این ممکنه و محال نیست. جناب آقای سجستانی در کتاب **المُعَمَّرُ**، پدر بزرگ عزیز مصر رو نام می‌برد، می‌گه: ۳۰۰۰ سال عمر داشت. آقای بودا در کانون پُالی می‌گه: زمان میتریه که بیاد عمر انسان‌ها به ده هزار سال می‌رسه، حتی معتقد بودا می‌گه: سال‌های قبل هم وقتی گناه زیاد نشده بود، انسان‌ها هزاران سال عمر می‌کردند پس طول عمر امکان داره، نگو محاله. حالا بحث رجعت رو ولو ما دلایلی برای وقوعش داریم ولی به خاطر این که روند بحث بره جلو اول از امکانش صحبت می‌کنیم، بعد وقتی دیدیم از نظر عقلی محال نیست، می‌ایم می‌گیم **آیا قبلا هم محقق شده یا نه؟** دو مدل بحث می‌کنیم:

از نظر عقلی:

یه سوال؟ آیا ایجاد یک امر عدمی سخت‌تره یا پیوند دادن اجزاء پراکنده (که قبلا به وجود آورده اید)؟ عدم رو بوجود آوردن که خیلی سخت‌تره! این یک دلیل امکانی هست هم برای برگشت جسمانی در قیامت و هم برای برگشت جسمانی در رجعت. اهل سنت می‌گویند رجعت محال است، بحث عقلی می‌خوایم مطرح کنیم، می‌گیم: همه مسلمانان به امکان قیامت اتفاق نظر دارند و این در حالی است که معاد همگانی جسمانی به مراتب دشوارتر از بازگرداندن تعداد محدودی از انسان‌ها است. شما اهل سنت که به برگشت در قیامت که معتقدید، پس چطور در رابطه با معاد نمی‌گی محاله؟! اما در رابطه با رجعت می‌گی محاله؟! ببینید بحث امکان‌ها فعلا، چون کسی از اهل سنت نمی‌گه: برگشت در قیامت محال است « **وَإِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ، طَارِقٌ، آيَةُ ۸** » پس رجعت به طریق اولی ممکنه نگو محال، چرا گفتی محاله؟ بحث از امکان، حالا این بحث مطرح شود که آیا رجعت واقع شده یا نه؟ بله، یک نمونه‌اش رو فعلا بگیم باز نمونه‌های دیگر در آیات قرآن خواهد آمد.

در امت‌های قبل، رجعت در خارج واقع شده:

مانند جریان عَزَبِ پیامبر، سوره مبارکه بقره به تصریح خدا جریان برگرداندن عزیر را از مرگ اشاره می‌کند، عزیر پیامبر با اون مرکبی که داشت از کنار یک روستایی، منطقه‌ای رد می‌شد. نگاه کرد، دید این روستا بهم ریخته و فرسوده و فرتوت و سال‌های پیش یک عده‌ای در این روستا زندگی کردند و آثاری از اون‌ها به جای نمانده جز مخروبه‌ها. عرض کرد: آخدا چه جوری این انسان‌هایی که سال‌ها الان رَمیم شدند؛ پودر شدند، این‌ها دوباره زنده میشن؟

خداوند می‌فرماید: ما به خاطر این که هم به پیغمبر یاد بدیم و هم به دیگران - مثل من و تو که الان داریم بحثش رو می‌کنیم - بفهمانیم و یاد بدیم که اگر مرید ما قادر به بازگرداندن شما هستیم، پیغمبر رو از دنیا برد بعد از ۱۰۰ سال عزیر پیغمبر رو برگردوند! خدا ارزش پرسید که: صَبَّحَكُمُ اللَّهُ بِالْخَيْرِ، حالت چطوره؟ به به، چقدر خوابیدی؟ عزیر پیغمبر عرض کرد که ساعتی رو ظاهرا خوابیدم، خدا فرمود: ۱۰۰ سال خوابیدی، حالا نگاه کن به حیوان و به این چهارپا. نگاه کرد دید: عجب! این چهارپا استخوان پوسیده ی شاید پودر شده ای شده! بعد این نکته‌اش خیلی قشنگه بعد فرمود: حالا نگاه به طعام کن. پیغمبر به طعام نگاه کرد دید طعام سالمه‌ها در حالی که طعام خیلی زود فاسد می‌شه و بدن انسان و حیوان دیرتر فاسد می‌شود، خیلی نکته ی لطیفیه، بعد فرمود: حالا نگاه کن، اشاره‌ای شد به این مرکب، استخوان‌ها جمع شد و دوباره زنده شد....

پس همچین چیزی واقع هم شده. خدا، خدا است دیگه واقعا بعضی از کارهای خدا خیلی جالبه مثل اینکه در رابطه با طول عمر حضرت، شما نگاه کنید او هم انسان است، ما هم انسانیم اما او هزار و خورده‌ای سال عمر می‌کند، ما به صد سال هم به زور می‌رسیم. هر دو یک جنس اما خدا عمر امام رو اون قدر می‌کند، عمر من رو این قدر بعد می‌فرماید: عین موی سر و موی ابرو، هر دو مو هستند اما این کجا و آن کجا. حالا اگر نگیم ابرو عمرش دائمیه... حالا دائمی که نیست، طولانی که هست. خدا میاد در رابطه با مرکب عزیر فرسودگی و فرتوتگی و رمیم بودن رو درست می‌کنه اما در طعام عزیر تازگی و سالمی را قرار میده! خب، این مثالی در رابطه با امت‌های قبل بود.

یا نمونه‌های دیگر: مثل حضرت عیسی که مردگان رو زنده می‌ساخت.

در امت اسلامی هم بوده یک موردی بگین؟ اینجا خوبه همه اشتراک نظر دارید، الحمدالله. یک مورد هست که امام رضا (علیه صلوة والسلام) این رو فرمودند: « قریش از پیامبر تقاضا زنده کردن مردگان کردند که حضرت به امام علی (علیه السلام) فرمود: که با این‌ها به قبرستان برو و اشخاصی که اینا نمی‌خواهند با نام رسا صدا بزن و... بعد امام علی هم بالاخره چنین کرد و آن مردگان از قبر بیرون آمده و سر و صورت از خاک تکان داده به حقانیت دین مقدس اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شهادت دادند. ایقاز الحجه ص ۱۱۵ به نقل از کتاب رجعت جمال الدین طبری » یک مورد در رابطه با علی بن ابیطالب (علیه صلوة والسلام) هم رسیده که حضرت به اذن خدا و به دستور پیامبر (صلوة الله علیه اجمعین) چنین کاری رو انجام دادند.

رجعت از منظر قرآن:

این بحث آیات رو دو مدل و دو نگاه میشه بهش کرد: یکی بحث امکانی، یکی بحث وقوعی

هر دو بحث در این آیات هست. آیات زیادی در رابطه با امکان رجعت وجود داره. من بخشی از آیات رو انتخاب کردم والا خلیه. «اعوذ بالله من شیطان الرجیم إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ حج/۶» خدا بر هر چیزی قادر است - این یک - «الیس ذالک بِقَادِرٍ عَلٰی أَنْ یُحِیِّیَ الْمَوْتٰی؛ القیامه /۴۰» آیا خدا قدرت ندارد مرده ای را زنده کند؟ این قدرت را دارد. می‌گیم خب شاید این فقط مربوط به قیامت باشد، می‌گیم خیلی خب حالا نگاه کن آیات دیگر هم برای تو بخوانم که این‌ها همه نشانگر آن است که خدا قدرت بازگرداندن انسان در دنیا را دارد.

اما اولین آیه سوره مبارکه نمل: «اعوذ بالله من شیطان الرجیم «وَيَوْمَ نَحْشُرُ اِیْنَ جَا نَکَاهُ بِکُنٰیْدٍ» مِنْ کُلِّ اُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ یَکْذِبُ بِآیَاتِنَا فَهَمْ یُوزَعُونَ نمل ۲۷ : ۸۳» فرمود که: به خاطر آور روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند محشور می‌کنیم و آن‌ها را نگه می‌داریم تا به یکدیگر ملحق شوند! خب از این آیه چه میشه فهمید؟ آیا قیامت یا رجعت؟ ای کاش بشه همین آیه رو یک مقاله نوشت، شما این آیه رو نگاه کنید، قرآن داره از آینده خبر میده: خیلی می‌خوام دقت کنید، و **یوم نحشر** ما در آینده... پس اولاً بحق قرآن فعلاً در این آیه بحثی از گذشته نیست که بگیم اصحاب کهف و امثالهم، بحث نحشر است؛ نحشر فعل مضارع است؛ مستقبل؛ آینده، دوماً بحث **مِنْ کُلِّ اُمَّةٍ** هست از هر امتی یک عده! «از هر امتی یک عده» یعنی این معاد همگانی نیست.

خب حالا اهل سنت، برادر من تو بهم بگو اون روز چه روزیه؟ اصلاً ما نمی‌گیم زمان ظهور امام زمان (علیه السلام) ولی یک روز رو در میان تفکرات خودت معرفی کن برای ما. یک روزی که اولاً این اتفاق مال آینده باشه نه مال قبل اسلام، درسته یا نه؟ نحشر فعل مضارع دیگه... مال آینده ی... تا الان هم اتفاق افتاده یا نیفتاده؟ نیفتاده، به این عظمت تا به حال اتفاق نیفتاده مگر اینکه ما اطلاع نداشته باشیم و تاریخ هم خواب بوده و شما بیدار بودی و یک اتفاق این چنینی افتاده خب بگید ما هم بفهمیم. اصلاً من کلاً بحث رجعت رو طبق تفکر خودم می‌بوسم، می‌ذارم کنار. شما عالم سنی به من بگو این چه اتفاقیه؟ اگر بگی قیامت که قطعاً دروغ گفتی. ببین همین جریان از امام صادق (علیه السلام) سوال شد؛ امام از سوال کننده پرسیدند که این آیه رو مردم چه می‌گویند؟ «**قَالَ اَوَّلُ النَّاسِ فِی هَذِهِ الْاٰیَةِ وَ یَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کُلِّ اُمَّةٍ فَوْجًا قُلْتُ یَقُولُوْنَ اِنَّهَا فِی الْقِیَامَةِ قَالَ لَیْسَ کَمَا یَقُولُوْنَ اِنَّ ذٰلِکَ فِی الرَّجْعَةِ اَیْحَشُرُ اللّٰهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ مِنْ کُلِّ اُمَّةٍ فَوْجًا وَ یَدْعُ الْبَاقِیْنَ اِنَّمَا اَیَةُ الْقِیَامَةِ قَوْلُهُ وَ حَشَرْنَا هُمْ فَلَمْ نُعَادِزْ مِنْهُمْ اَحَدًا، بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۶۰**» امام صادق علیه السلام فرمودند: مردم (اهل سنت) در مورد این آیه «و یوم نحشر...» چه می‌گویند؟ عرض کردم: آقا می‌گویند در مورد قیامت است. حضرت فرمودند: این طور نیست این مسأله در مورد رجعت می‌باشد آیا خداوند در قیامت از هر امت یه گروهی را محشور و بقیه را رها می‌کند؟! آیه مربوط به قیامت این آیه است «**وحشرناهم... کهف ۴۷**»

خیلی عجیبه! ای کاش گاهی وقت‌ها یک کاغذی، یک صفحه آچاری در یک هوای خوب و بهاری و زیبا و حال خوش، رو صفحه آچار بنویسیم: «بسم الله الرحمن الرحیم آیا می‌توان شیعه نبود؟» با تفکر اسلامی‌ها، نه برون دینی... نه... درون دینی اما بحث مذهب. به من بگید جناب اهل سنت من چه جوری باید این‌ها پازلش رو بهم درست کنم؟ کمکم کنید که حداقل شاید دلم بخواد سنی بشم خب، نمی‌شه به خدا. هر کاری هم بکنی باز نمی‌شه، آخه من دینی و مذهبی رو که این مذهب بیاد بگه علی حق است، معاویه هم حق است، بله هر دو تا هم همدیگر رو بکشند! اصلاً نمی‌پذیرم. بی دینی به اعتقاد من خیلی سنگین تره.

آیه بعد که همون آیه عزیز پیغمبر بود؛ اگر یادداشت می‌خواهید بکنید سوره مبارکه بقره آیه ۲۵۹ « أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَ انظُرْ إِلَى جِمَارِكَ وَ لِنَجْعَلَكْ آيَةً لِلنَّاسِ وَ انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » خب جریان عزیز را گفتیم دیگه.

آیه بعد جریان حضرت ابراهیم خلیل (علیه صلوة والسلام) را هم مطرح می‌کند که همون جریانی که تقاضا کرد از خدای تبارک و تعالی که زنده شدن مردگان رو نشانش بده که داستان معروف همون چهار حیوانی که ابراهیم قطعه قطعه کرد و به دستور خدا هر کدام را صدا زد، اون‌ها زنده شدند.

اما آیه بعد درباره حضرت موسی و نمایندگان بنی اسرائیل، که باز بحث امکانی و وقوعی هر دو رو مطرح می‌کند، حالا وقوعی رو اشاره کنیم: سوره مبارکه بقره آیه ۵۵ « اعوذ بالله من شیطان الرجیم وَ اِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللّٰهَ جَهْرَةً فَاخَذْنَاكُم بِالصَّاعِقَةِ وَ اَنْتُمْ تَنْظُرُونَ » عده ای با موسی بن عمران (علی نبینا و آله و علیه صلوة و السلام) رفتند کوه طور به عنوان نمایندگان بنی اسرائیل بعد برداشتند به موسی گفتند که: یا رسول‌الله! اگر خدا را به ما نشان ندهی ما کافر خواهیم شد. هر کاری موسی کرد که این‌ها آرام بشن، بابا خدا دیدنی نیست، نمی‌شه خدا را در قالب چشم دید، خدا لایتناهی است، چیز لایتناهی رو مگه میشه دید! اصلا قابل دیدن نیست.

(یک نکته‌ای رو داخل پرانتز بگم: شما بخوای سفر کنی به یکی از سیاره‌ها یا ستاره‌های خارج از منظومه شمسی چقدر طول می‌کشد اگر عمر داشته باشی؟ خیلی... یک وقت من با یک مهندس پرواز در سفر با هم بودیم، خیلی جمله جالبی بهم گفت، وقتی فهمید من طلبه هستم گفت که: شما طلبه‌ها خیلی منبر می‌رید یک دفعه امروز بنشین من برات منبر برم، تو مسیر این آقا برای من منبر گفت و واقعا اشکم رو درآورد، یکی از جملات ایشون می‌گفت: خدا را نگاه کن، شما الان بعضی از ستاره‌ها رو داری می‌بینی، می‌گی این ستاره مال من، اون ستاره مال مامان، اون یکی مال بابا، اون مال آبجی، هی ستاره‌ها رو... دیدید در دوران کودکی اسم‌گذاری می‌کنیم تعبیر ایشون رو میگم، چون برام جالب بود لحن و بیانش، می‌گفت: اون ستاره‌ای که الان می‌گی مال من، اون ستاره شاید الان نباشه، شاید اون ستاره سالیان سال پیش منهدم شده باشه، تازه نورش به من رسیده، تازه من دارم می‌بینمش. سفر به حالا بگیم یکی از ستاره‌ها یا سیاره‌های خارج از منظومه شمسی، خدا ان شاءالله عمر طولانی به ما بده، ان شاءالله راه بیفتیم بریم طبق دانشمندان ستاره‌شناس به بعضی از این‌ها که تخمین زدند بالغ بر ۱۰۰۰۰ میلیارد سال نوری طول می‌کشد که ما بهش برسیم. آقا سوال: خدا در عالم است یا عالم در خدا؟ اگر بگی خدا در عالم است که کم لطفی کردی. آمد به امام صادق گفت: یا بن‌رسول‌الله آیا خدا قادر است دنیا را در تخم مرغ جا بدهد؟ امام صادق فرمودند: بله که قادر است اما تخم مرغ همچین قابلیتی ندارد حالا من می‌خوام این خدا رو ببینم، چه جوری ببینمش؟)

این‌ها گفتند: نه یارسول‌الله! می‌خواهیم خدا رو ببینیم! دستور خدا بر قبض روح همه این‌ها صادر شد، همه شون مردند. موسی بن عمران ماند و یک عده مُرده رو دست! عرض کرد: آخدا بابا یک کار کن که الان من برگردم در قوم، این‌ها منو متهم نکنند که مثلا به این‌ها زهر دادی چه کارشون کردی؟ «ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ» این‌ها بعد این که مرده بودند خدا دوباره زنده شون کرد.

پس این آیه هم دلیل محکمی بر امکان زنده شدن در دنیا هست، اما یک آیه دیگه هم بگیم:

این آیه که دیگه جزء پذیرفته شده شیعه و سنی و مذاهب دیگه هم هست. آیه اینه: «و إِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ يَادْنَىٰ، مائده / ۱۱۰» (وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ يَادْنِ اللَّهِ، آل عمران / ۴۹) حضرت عیسی بن مریم (علی نبینا و آله و علیه صلوة والسلام) هم که داستانش مشخص است.

خب بنده یک بحثی رو مطرح کنم بعد ببینم اشکالی به ذهنتان می‌رسد یا نه؟

یکی دیگر از آیات اثبات رجعت: آیه مربوط به اصحاب کهف است «وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا - كهف / ۲۵» سیصد سال این‌ها در غار ماندند، آیا میشه برای بحث رجعت، از این آیه استفاده کرد؟ به عده این بحث رو مطرح می‌کنند می‌گن اصحاب کهف که نمرده بودند پس از آیات مربوط به اصحاب کهف در رابطه با رجعت استفاده نکنید. درسته یا نه؟ حضرت سجاد(علیه صلوة والسلام) فرمودند: خواب خودش یک مرگ است. پس ما هر روز دوباره رجعت می‌کنیم، از این نگاه درست.

حالا دیگه چی میشه به بحث اصحاب کهف پرداخت یا نه؟ ممکنه یک عده ادعا کنند که این‌ها مرده بودند ولی خب ما داریم که این‌ها رو خدا از این پهلو به اون پهلو می‌کرد معلومه که این‌ها خواب بودند، پس چرا بحث اصحاب کهف رو خیلی‌ها در منابع خودشون میارند؟ حالا نظر شخصی بنده اینه - شاید واقعا دارم اشتباه می‌کنم - که بحث اصحاب کهف رو نیاریم در آیات مربوط به رجعت، ولی الفت چون زیاده و جزء بازگشت‌کنندگان اصحاب کهف هستند. در هر صورت چون آوردند آقایان، و تقریبا همه آقایانی که بحث رجعت رو مطرح کردند این آیه سوره مبارکه کهف رو هم به عنوان استناد به بازگشت مطرح کردند، بنده هم آوردم وگرنه خودم اعتقاد دارم این آیه به عنوان مؤید خوبه اما به عنوان دلیل نه.

یکی از آیات خیلی عجیب این آیه است: سوره مبارکه بقره، آیه ۲۴۳ خیلی این آیه عجیبه هم یک تلنگریه برای ما، هم برای اثبات بحث خوبه، شاید بعضی ما نشنیدیم این جریان رو: «اعوذ بالله من شیطان الرجیم أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» - آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ از خانه‌های خود فرار کردند؟ و آنان هزاران نفر بودند که به بهانه بیماری طاعون از شرکت در میدان جنگ خودداری نمودند، خداوند به آن‌ها گفت بمیرید و به همان بیماری که آن را بهانه قرار داده بودند مُردند سپس خدا آن‌ها را زنده کرد .

جریان چیه؟ جریان خیلی عجیبه! عده‌ای که در قرآن اشاره می‌کند «و هم الوف» هزاران نفر بودند... در منطقه‌ای شایع شد که طاعون آمده، این‌ها از ترس مرگ از این شهر فرار کردند، چون طاعون اون زمان، احتمال مرگ داشت. اینها به احتمال مرگ فرار کردند اما به کام مرگ افتادند، از احتمال خودشون رو کشیدند بیرون، به قطعیت و صد در صد گرفتار شدند: «فقال لهم الله موتوا» خدا به این‌ها گفت بمیرید و آنها

مُردند « ثم احياهم» سپس این‌ها رو زنده کرد. [خدا نکنه آدم بخواد توجیه کنه - گاهی وقت‌ها اگر بخواد حرف خودش رو به کرسی بنشاند، به هر دری می‌زند تا توجیه کند] بعضی از این‌ها توجیه کردند.

میشه این توجیه رو شما هم بگید کمکم کنید، میشه این آیه رو به جور دیگه هم فهمید؟ نمی‌خوام بگم تفسیر به رأی‌ها، احتمالات رو می‌گم، نترسید! آخه بعضی از اهل سنت آمدند این رو گفتند: نه خدا این جا می‌خواست شوخی کنه مثلاً یا تاویل ببریم این آیه رو، یا نمی‌شه به ظاهر این آیه بسنده کرد. جالبه‌ها خودشون گاهی وقت‌ها چقدر ظاهر مدارند، اصلاً تاویل رو قبول ندارند، یک بام و دو هوا همینه‌ها، اصلاً نمی‌پذیرند تاویل را لذا خیلی از این‌ها قائل به جسمانیت خدا هستند. روی منبر جناب ابن تیمیه داشت سخنرانی می‌کرد، گفت: نگاه کنید آی مردم! خدا هر روز از آسمان‌ها میاد پایین! ببینید الان من میام پایین، بعد خودش پله‌های منبر رو می‌آمد پایین! می‌گفت: عین من خدا میاد پایین! بعد خدا شب‌ها دوباره برمی‌گردد به آسمان‌ها، نگاه کنید عین من!

چون آیات قرآن بعضی‌ها همینه دیگه « وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ - سوره انفال آیه ۱۷ » تیراندازی خدا! می‌گن: نگاه کن خدا جسم یا دست داره و استناد می‌کنند به « يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ - فتح آیه ۱۰ » جالبه بعضی جاها این مدلی تا این حد آمدند و راه تاویل رو بستند...

کی می‌تونه این آیه رو یک تاویل ببره؟ یعنی خلاف ظاهر آیه رو معنا کنه؟ ببینید « فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ » بمیرید بعد این‌ها رو زنده کرد « إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ » خدا کمک می‌کند، بالاخره مهربانی می‌کند « وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ » البته عده‌ای از اهل سنت مثلاً جناب آقای قرطبی در تفسیر همین آیه، در الجامع لأحكام القرآن خودش این جوری مطرح کرده که: «آنها بیش از ده هزار نفر بودند، این گروه به سبب ترس از مرگ از دیار خود فرار کردند و گمان کردند زنده خواهند ماند، پس خداوند آن‌ها را در محلی که خیال می‌کردند در آن زنده می‌مانند، میراند، به نقل از مجله انتظار ج ۱۹ - خدامرادسلیمیان»

خود اهل سنت هم این قضیه رو مطرح کردند اما باز با همه این‌ها... گرچه بعضی از مفسرینی که نتوانستند وقوع چنین حادثه‌ای رو تحمل کنند، آن را تنها یک مثال شمردند ولی روشن است که این گونه تاویلات در برابر ظهور بلکه صراحت آیه در وقوع این مسأله قابل قبول نیست، همیشه این تاویل رو پذیرفت. گیرم این آیه رو تاویل بردی، اون آیات دیگه رو چی؟ جریان عزیر پیغمبر رو هم تاویل می‌بری؟

پس ما این بحث رو ثابت کردیم که بحث رجعت از ضروریات مذهب است و اینی که رجعت ممکنه و محال نیست و اینی که انسان قبل از قیامت هم می‌تواند زنده بشود که از آیات روشن شد. و حتی یکی از این آیات تصریح دارد به جریان یک بازگشت گروهی، **مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ فَوْجًا** از یک گروه یک عده‌ای (نه افراد، یک عده) یعنی معلوم می‌شود از هر گروه یک عده برمی‌گردند، همون آیه‌ای که مطرح کردیم...

یک روایت بگم که این روایت رو هم شیعه نقل کرده هم اهل سنت: روایت شباهت امت اسلام با بنی اسرائیل! در این روایت در کتب اهل سنت آمده مثل صحیح بخاری که: شما شبیه‌ترین امت‌ها به بنی اسرائیل هستید. پیغمبر خدا این روایت رو نقل کرده تا حدی که هر چه بر آنان گذشته است بر شما هم خواهد گذشت، چه جوری میشه از این روایت در بحث رجعت استفاده کرد؟

در جریان بنی اسرائیل رجعت اتفاق افتاده؛ زنده شدن مردگان مطرح شده است. فقط این رو به عنوان تکمیل بحث خدمت شما عرض کردم هم صحیح بخاری این رو دارد، هم صحیح مسلم، هم سنن ابن ماجه، هم مسند احمد بن حنبل این رو دارد.

دلیل و فلسفه رجعت:

حالا یک سوال؟ این بحث فلسفه رجعت خیلی بحث دقیق و مهمیه، اما به چه دلیل عده‌ای رو دوباره زنده می‌کنه؟

می‌خوام از شما کمک بگیرم. چرا خدا این همه برنامه‌ریزی می‌کند تا عده‌ای برگردند؟ بگید؟

یکی از خواهران - هیچ موقع یادم نمیره که دو سال پیش اینجا بحث فیش نویسی داشتیم - در فیشش یک عنوان زده بود: «همایش عظیم رجعت»، بعد گفتم درود و رحمت خدا بر شما! همایش عظیم. چه اسم قشنگی، حالا شما کمک کنید، چرا رجعت؟ چرا این همایش عظیم؟ آقا خدا که در قیامت این کار را انجام خواهد داد؛ قاتلین اهل بیت (علیهم السلام) در قیامت به سزای اعمال خود خواهند رسید، واقعا بحث فلسفه رجعت رو می‌خواهم خوب دقت کنید و گفتمان بشه، چون خیلی نکته لطیفی است و میشه روش خیلی مقالات نوشت:

۱- انگیزه‌های قوی: این رو می‌خواستم اشاره کنید. آخه خیلی قضیه مهمی قراره اتفاق بیفته ها، برای آنهایی که با تمامی وجود مست دولت کریمه هستند، آقا نگاه کن اگر برای ما درب رجعت رو ببندند، درسته بالاخره اگه اهل زمینه سازی برای دولت کریمه باشیم در برزخ و قیامت هم پاداش می‌بینیم ولی وقتی به ما بگن آقا خودت رو بساز که تو را برگردانیم، اون موقع چه حالتی داری؟

خیلی عجیبه، بعضیا عجب استدلال‌هایی دارند! یک دانشجوی بهم گفت: بهش گفتند که «به جای اینکه پزشکی بخوانی، پاشو برو برای امام زمان یک کارای کن، اوضاع بهم ریخته و به زودی امام زمان خواهد آمد. تو حالا کی کنکور بدی، بعد دانشگاه، بعد پزشک بشی...»
چقدر بد به ما گاهی اوقات مهدویت رو معرفی می‌کنند، اولاً: آمدن امام رو کسی اطلاع نداره «**كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، کتاب الغیبه للحجه**» ثانیاً: اینقدر مهدویت لطافت و ظرافت دارد؛ اگر این دانشجوی رشته پزشکی، بیاد کنکور بده و موفق بشه ترم اولش رو شروع کنه، واقعا به قصد یاری امام درس بخوانه، رشته به رشته حضرت نیاز به یاری من و تو داره، نگو حضرت نیازمنده؟ اون نیاز خاص «**ان تَنْصُرَ اللّٰهَ يَنْصُرْكُمْ، سوره مبارکه محمد، آیه ۷**» حضرت چشم امید به کمک من و تو داره، اصلاً گیرم که این احتمال باشه که حضرت به زودی بیاد، این دلیل نمی‌شه که من دست رو دست بزارم که! ولو ترم اولم باشه و حضرت بیاد من به اندازه ترم اولم اینقدر قشنگ کار کردم؛ بیا به حضرت گزارش بده که یابن رسول الله! نگاه کن تا اینجا به خاطر یاری شما بکوب درس خواندم. به نظرت حضرت چه خواهد کرد با این دانشجو؟ «**اِذَا قَامَ قَائِمًا وَصَّحَ اللّٰهُ يَدَهُ عَلٰی رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهٖ اَحْلَامَهُمْ (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۵، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.)**» قطعاً یکی از کسانی که در اولویت حضرت خواهد گرفت که عقل او رو به کمال برساند همین دانشجوست، ما با این نگاه‌ها زنده‌ایم، هر موقع حضرت آمد «**فَلَا يَأْتِيكُمْ اِلَّا بَعْتَةً (سوره اعراف آیه ۱۸۷)**» آماده‌ایم، هر موقع، بعدش گیرم نیامد حضرت اینقدر من انگیزه دارم که خودم رو قوی می‌کنم و خودم رو آماده می‌کنم که اگر مردم بگم یابن الحسن دلت میاد نباشم؟ به شرط اینکه این رو با همه وجودم بهش بگم ها

۲- «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ دَعَايَ افْتِتَاحِ» این نرغب ترغیب من رو بیش‌تر خواهد کرد اگر بدانم امکان بازگشت هست، دلخوش به بازگشت هستم و امید به درک دولت کریمه دارم و نگران مرگ خویش نمی‌باشم و همین امر باعث تشدید مهدی‌یآوری آنها خواهد شد، خیلی قشنگه‌ها اگر واقعا من با این انگیزه باشم.

۳- عدل خدا: عدل خداوند ایجاب می‌کند که قبل از برپایی قیامت دو گروهی که خیلی خوبند (خوبان محض) و یا خیلی بدند (کافران محض؛ همان کسانی که **اَسَسُ** **اَسَاسِ** **ذَلِكْ**؛ مسیر تاریخ را به سمت ناعدالتی تغییر دادند) رو در همین دنیا به سزای اعمالشان برساند، چرا عدل خدا این رو ایجاب می‌کند. عدل چه بود؟ وضع اندر موضِعش. چرا از این نگاه من وارد شدم؟ چرا عدل خدا ایجاب می‌کند عده‌ای از خوبان رو در دنیا پاداش خوبی بده و عده‌ای از بدان رو در دنیا به سزای عملشون برساند؟ علتش اینه، اعمال آنها مربوط به همین دنیا بوده، به عبارتی دیگه: چون بستر عمل آنها همین دنیا بوده و باید در همین دنیا به گونه‌ای به دیگر مردم نمایان شود که باطل پابرجا نیست و در نهایت «و العاقبة للمتقين» خواهد بود و این هنگامی که با زنده شدن برخی مصادیق محقق می‌شود اثر بیشتری خواهد داشت.

۴- تا مومنان از حکومت امام دل‌شاد و کافران دل‌گیر شوند: خیلی‌ها آرزوی این حکومت رو داشتند و این آرزو رو با خود بردند، خدا برخی از این‌ها رو برمی‌گرداند تا این‌ها در همین دنیا شاد بشن و خیلی‌ها بودند بغض و کینه داشتند، خدا برخی از اینها رو برمی‌گرداند تا در همین دنیا کور بشن دوباره، در همین دنیا دوباره به اون حقانیت اسلام برسن و متوجه بشن ان شالله.

اما اینش مهمه:

۵- تقویت روانی یاران: کار، کار ساده نیست؛ از آنجایی که قرار است حکومت عدل امام زمان (علیه السلام) الف - چکیده و عصاره همه‌ی انبیاء و اولیاء خداوند باشد؛ یعنی امام می‌خواهد زحمات همه انبیاء رو به نتیجه برساند. ب- و جهان شمول باشد به هرگونه تقویت روحی مسلمانان نیاز است، که رجعت و بازگشت بزرگان دین و عقوبت کافران می‌تواند بالاترین کمک برای این اهم باشند، نگاه کن تو رو خدا یکمی فکر کن، همین الان در جلسه ما، اگر مسئول جلسه اعلام کنه «مالک اشتر تشریف آوردند» چه حالتی داری؟ اصلاً بی‌تاب می‌شی، تمام دغدغه‌ها از بین خواهد رفت. مالک آمده؟ حبیب‌بن‌مظاهر آمده؟ آخه قراره ما دنیا رو فتح کنیم.

من بارها گفتم این آیه خیلی آیه زیباییه: آیت‌الکرسی «**لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ**»، این آیه، آیه مهدویت «**قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ**» اون اوایل که اعتکاف راه افتاده بود ما قم بودیم، برخی از مساجد خیلی هم ترغیب نبودند، اما الان بیاید نگاه کنید چه غوغاییه!! حرم مطهر باید ثبت‌نام کنی، من گاهی می‌گم شاید در جریانات دولت کریمه‌ها - اون نگاه بچه‌گانه رو می‌خوام مطرح کنم - در جریانات دولت کریمه برخی اونهایی که ایمانشون ضعیفه، اینقدر سیل گسترده به سمت این بیعت با امام زمان (علیه السلام) و دولت کریمه‌اش میاد که به بعضا باید گفت: صبر کنید بابا، خیلی شلوغه، بزارید حالا... و این حجم یاری شاید بی‌ارتباط با بازگشت برخی بزرگان نباشه؛ آره، اگر علی‌اکبر برگرده، جوانی که اسم او مسلمانانه، مگر ممکنه به سمت یاری حضرت حرکت نکنه؟! مگر اینکه اسیر باشه که بعضی از ما باید از این اسارت‌ها بیرهیزیم!

(یک چیز رو داخل پرانتز بگم: من چه وقت در نمازم حال پیدا می‌کنم؟ زمانی که قبل از نماز با خدا باشم. همیشه قبل از نماز بدون خدا باشم و بعد از نماز اینقدر به خودم فشار بیارم و بخوام نمازم الهی بشه! نماز آینه‌ی بیرون نمازه... من چه زمان در ظهور با سرعت به سمت امام زمان (علیه السلام) حرکت می‌کنم؟ زمانی که در غیبت با امام زمان (علیه السلام) باشم. گاهی وقت‌ها باز با همه این‌ها یک عده اسیرند امیدواریم به تعبیر امام سجاد (علیه السلام) «**وَ أَسْرَعِهِمْ إِلَى حَاجَتِهِمْ**» بشیم؛ به سرعت و زودتر از همه)

خب قطعا یک سلسله گرفتاری‌ها و سختی‌هایی هم هست، روایاتی که می‌گه تا حکومت به تثبیت برسه، خیلی سختی‌ها رو باید متقبل و متحمل بشیم. این سختی‌ها نیاز به یک تقویت روانی بزرگ داره؛ این تقویت روانی با وجود حبیب‌بن‌مظاهر، اصلا یک چیز دیگه بگم با وجود حسین‌بن‌علی، ها؟ با وجود حسین‌بن‌علی (علیه‌السلام) چقدر آرام خواهیم گرفت؛ فوق‌العاده است... اصحاب کهف برمی‌گردند.

۶- عقوبت برخی ظالمین مقابل چشم مظلومین: قیامت یک حالتی هست که هر کس در یک جایی که قرار گرفت شاید متوجه عذاب دیگران نشه، خودش یک بحثیه که آیا بهشتیان جهنمیان رو می‌بینند یا نمی‌بینند؟ گفتمان‌هایی بین این‌ها صورت می‌گیرد «**مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؟ (سوره مدثر)**» چرا در جهنمی؟ «**قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ (سوره مدثر آیه ۴۴)**» این گفتمان‌ها هم هست، ولی اینجوری نیست که بهشتیان عذاب جهنمیان رو دائما مشاهده کنند، حالا مثلا به دلیل امنیت روانی که بهشتیان باید داشته باشند. خدا یه بستری رو قبلش در همین دنیا فراهم می‌کنه تا مظلومین عقوبتِ ظالمین رو ببینند.

۷- مقدمه و زمینه ای برای معاد: رجعت زمینه‌ساز اعتقاد به معاد است و اعتقاد مردم رو به قیامت کبری هموار می‌سازد. ما بالاخره باید به این باور برسیم‌ها، کیا از میان ما واقعا قیامت رو باور دارند؟ سخته یه مقداری که به این باور عمیق رسیده باشیم. گفت آقا موقع تشیع جنازه خواهشا صحبت نکن، فکر کن یه روزی خودت هم روی همین تخت رو دوش مردم حرکت خواهی کرد... می‌گفت: ای بابا کی گفته؟ من همه انسان‌ها رو تو این تابوت فکر می‌کنم الا خودم. رجعت یک تفکر رو در وجود من ایجاد خواهد کرد که من پخته تر بشوم. اصلا گویا جریانات مهدویت کلا بسترسازی کمال است؛ یعنی یک جوریه که هر بخشی از آن ما را به اوج برساند، همین‌ها، من با رجعت دیگه به اوج درک قیامت خواهیم رسید، چقدر زیباست...

ان شالله زنده باشیم به امید خدا امام زمان (علیه‌السلام) بیاد، بعد نگاه کنی ببینی که مسجد گوهرشاد حرم نوشتند نماز جماعت به امامت مالک‌اشتر، چی؟ به امامت مالک‌اشتر، جدی میگی؟ خب این نمازت چه جوری خواهد بود، بعد قیامت رو لمس می‌کنی، حس می‌کنی، مالک برگشته... شهید شده بود، حس می‌کنی، بعد می‌فهمی حق یعنی چی؟

چقدر قشنگه، تحقق رویاهای شیرین همانند بودن در رکاب پیغمبر و امامان (علیهم‌السلام)، مگه نمی‌گی که «**يا ابا عبد الله يا ليت كنت معك فأفور فوزًا عظيمًا (مفاتیح الجنان، زیارت اول امام حسین علیه السلام، ص ۴۲۷)**»

۸- تحقق رؤیای شیرین هم‌رکابی با حجت خدا: اینکه این تحقق به سرانجام برسه؛ عمریه داری می‌گی یابن‌رسول‌الله ای کاش بودم کنار تو، خب بسم‌الله، حسین‌بن‌علی (علیه‌السلام) آمد، آخ جان، بدو بریم... لذا روایت داریم یکی از کسانی که رجعت خواهد کرد وجود با کرامت حضرت خاتم محمد بن عبدالله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، چه کیفی داره، نه؟

۹- بحث آمدن امام زمان (علیه‌السلام) فرا دین اسلام؛ فرا دین اسلامه یعنی حضرت قراره اون توحید رو به سرانجام برساند، زحمات کل انبیاء رو، به همین دلیل خیلی نکته‌ی دقیقه‌ها! به همین دلیل در جریان رجعت، رجعت رو قرار داد تا عده‌ای از نمایندگان ادیان پیشین هم باشند، از هر دینی یه بخشی در رجعت برمی‌گردند تا اتمام حجت بشه بر پیروان همه ادیان. در بعضی از روایات مشخصه، گیرم اسم افراد برده نشه، اما

بالاخره با توجه به تواتر اجمالی میشه گفت که قطعا از هر دینی به تعدادی میاد، چون خوبانِ خوب در یهود بوده، در مسیحیت بوده، در هر دینی بوده، چرا؟ مثل آمدن خود حضرت عیسی (علیه السلام) که حالا اون بحث رجعت نیست، بحث زنده بودن ایشان است که ما معتقدیم اصلا حضرت عیسی (علیه السلام) شهید نشد ولی همین نفس بودن حضرت عیسی (علیه السلام) خیلی از مسیحیت رو به سمت وجود نازنین حضرت خواهد آورد.

رجعت در زیارت امام مهدی (علیه السلام)

در چند زیارت‌ها از رجعت باز اشاره کنم «فَجَعَلَنِي يَا رَبِّ مِمَّنْ يَكُرُّ فِي رَجَعَتِهِ وَ يُمَلِّكُ فِي دَوْلَتِهِ وَ يَتَمَكَّنُ فِي أَيَّامِهِ» این در زیارت حضرت بقیة الله اعظم که سید بن طاووس نقل کرده، این بحث رجعت اینجا آمده.

در فرازهای مختلف زیارت جامعه کبیره آمده، «مُؤْمِنٌ بِأَيَّامِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجَعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُزْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ» زیارت جامعه کبیره، زیارت عیدین: هم فطر هم قربان، زیارت رجبیه، زیارت سوم شعبان، زیارت اربعین، زیارت قائمیه، زیارت پیامبر و حتی زیارت حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) بحث رجعت مطرح شده، در دعای عهد، در دعای دحو الارض هم، در دعای نماز عید هم، در دعای روز تولد امام حسین (علیه السلام) هم بحث رجعت مطرح شده. در دعای عهد که «اللَّهُمَّ إِنِّ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ» که گفتیم آورده.

اما چه کسانی در رجعت برمی گردند؟

این باز به بحث خیلی دقیقی ست، خیلی مفصل هست، خیلی‌ها از علماء وقتی این بحث رو مطرح کردند آخرش گفتند والله العالم؛ خدا می داند. یعنی کسی قاطعانه در رابطه با رجعت بخواد اظهار نظر کنه نیست، چه برسه به بنده و امثال بنده. اما بعضی‌ها رو دیگه میشه از کثرت روایات خیلی به زیبایی فهمید: یکیش وجود نازنین حضرت اباعبدالله الحسین (علیه آلاف التهية والثناء). روایت امام باقر (علیه السلام) هم هست: اولین کسی که باز می‌گردد وجود امام حسین (علیه السلام) است که حکومت طولانی خواهد داشت.

بعد از حضرت حجت (علیه السلام) مگر قیامت نمی‌شود؟

بعضی‌ها فرمودند ۷ سال، بعضی‌ها فرمودند ۷۰ سال، بعضی‌ها فرمودند ۵۰ سال... چند سال حکومت خواهد کرد؟ بعضی‌ها گفتند که این ۷ سال این دنیایی نیست؛ خیلی طولانیه، ولی ما می‌گیم حضرت در دنیا حکومت می‌کنند نه فرا دنیا، قیامت که نیست که همین دنیاست. جریان مهدویت کماله.

همین سوال رو از مرحوم شهید صدر در کتاب "تاریخ ما بعد ظهور" دارد، این کتاب رو حتما مطالعه کنید، به فارسی هم ترجمه شده. آنجا شهید صدر می‌فرمایند: بسیار بعید است. کسی که از آدم تا خاتم دنیا در انتظار او بوده، پیغمبران در انتظار او بودند، ائمه (علیهم السلام) در انتظار او بودند، که ۷ سال حکومت کند؟ بعد مستند می‌کند به انتهای دعای سلامتی حضرت وَ تَمَتَّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا حکومت حضرت طولانی است ان شاء الله، برداشت ه‌ها.

بله، بعضی از ائمه (علیهم السلام) همان جوری که شما فرمودید مثلاً علی بن ابی طالب (علیه السلام) داریم کترین؛ یعنی دو مرتبه برمی‌گردد، یا کرات؛ چندین مرتبه برمی‌گردد و آیا این‌ها حکومت دارند؟ بله حکومت دارند، بعد از امام زمان (علیه السلام) این‌ها هم حکومت خواهند کرد طبق برخی روایات.

بعد حالا باز یک سوالی مطرح میشه: اینی که شما می‌گید بعد از حکومت امام زمان (علیه السلام) حکومتی نخواهد بود و قیامت محقق می‌شود چی؟ پس حکومت علی بن ابی طالب چی؟ حکومت امام صادق (علیه السلام) مثلاً اگر بود چی؟ پاسخش رو ایشان فرمودند: این‌ها هم در راستای حکومت امام زمان (علیه السلام) هست، «كُلُّهُمْ نُورٌ وَاحِدٌ» همه یکی اند.

آیا جریان رجعت همزمان با ظهوره یا در زمان حکومته؟

دو نظریه است: بخش قابل توجهی از روایات به هم‌زمان بودنش با ظهور دلالت دارد، به گونه‌ای که شیخ مفید آن را از علامات ظهور نامیدند. اما یک نظریه دیگه‌ای هم هست، جریان رجعت بعد از ظهوره، مثل این روایتی که گفتیم، حضرت فرمود: «إِيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ يَوْمُ الْقَائِمِ، يَوْمُ الْكَرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ (امام باقر (علیه السلام) الخصال، ص ۱۰۸، ح ۷۵» یعنی معلوم می‌شود که بعد از ظهور، رجعت اتفاق می‌افتد.

من یه سوال از شما بپرسم، گیرم دو تا روایات باشه یا دو مدل نظر باشه که همین جور هم هست، بعضی از نظرها مثل شیخ مفید (ره) که فرمودند که از علائم ظهوره در لحظه ظهور و آغاز قیام رجعت اتفاق می‌افتد، بعضی از روایات اون رو جداگانه مطرح کرده، خب وجه الجمعش چیه؟ میشه این رو که بعضی از بزرگان مطرح کردند حرف ایشان رو قائل شد، دوبار یا به عبارتی امکان اینکه رجعت در فواصل مختلف اتفاق بیفتند هست، آخه می‌دونید حتی اگر فلسفه‌های رجعت رو ما بررسی کنیم به ادله رجعت برسیم بحث پشتیبانی روانی یاران در هر دو بخش لازمه؛ هم در بخش قیام لازمه، هم در بخش تثبیت حکومت لازمه؛ لذا امکان داره در میانه ظهور هم (یعنی بعد از ظهور هم) این قضیه اتفاق بیفته، لذا ما در مورد با رجعت امیرالمومنین (علیه السلام) به کرات داریم.

آیا همه حضرات معصومین (علیهم السلام) صد در صد به شهادت باید برسند؟

بعضی‌ها فرمودند که ایشان به شهادت می‌رسند، اما بعضی دیگر گفته اند حتماً لازم نیست درباره ایشان شهادت را مطرح نمود، احتمال اینکه حضرت به مرگ طبیعی از دنیا بره هست.

چند تا شبهه مطرح شده در رابطه با رجعت: یکیش بحثی که احمد امین مصری مطرح کرده: او گفته که شیعیان بحث رجعت را از عبدالله بن صباح یا یهود گرفته است. دو تا جواب داریم: ۱- فرض که ما از یهودیت اصیل گرفتیم که، برخی از احکام ما و حتی اهل سنت مشابه با یهود است. چون اسلام آمد کامل کرد: **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...** (سوره مائده آیه ۳) بحث کمال است، لذا می‌بینیم اسلام نیامد تضادی باشد با ادیان پیشین! بلکه اتفاقاً در جهت کمال و تکمیل آنها بود. ۲- اعتقاد به رجعت به تبع روایاتی است که از اهل بیت (علیهم السلام) به ما رسیده

است که متواتر است. حالا من نظر علامه مجلسی، نظر شیخ مفید، سید مرتضی اینا رو (احتمالا پاورش رو خدمت حاج آقا بدهم که اگر کسی خواست بتونه بگیره)، اصلا روایات خودمون هست ربطی به یهود ندارد. ۳- آیات قرآن هم که این رو مطرح کردند. حالا شما اهل سنت که به ما ایراد می‌گیرید، شما اول جواب همون آیه رو بده. شما غیر از اونیکه ما رجعت رو گفتیم معنا کن بعد حالا ما میایم حرف تو رو گوش می‌کنیم، گیرم از یهود باشه...

اشکال بعدی که برخی اهل سنت مطرح کرده اند این بوده که: اگر طرف بدانند می‌خواود دوباره برگردد خب میگه من گناه می‌کنم بعد برمی‌گردم و جبران‌ش خواهم کرد. آیا اگر بدانم برمی‌گردم، پُر رو شده و معصیت می‌کنم؟
دو تا جواب اینجا وجود دارد:

۱- کی گفته رجعت اختیاری است؟! آیا میتونی شما ضمانت یا گارانتی کنی که برمی‌گردی؟ گارانتی که نمی‌شه داد!
۲- از شما می‌پرسم: اگر مُردیم، بعد دوباره به دنیا برگشتیم، آیا پرونده ما open است؟ خیلی جالبه، گفت بنده خدایی رو گفتن چرا نماز نمی‌خونی؟ گفت: «کار یک روز دو روز نیست که...» حالا کل زحمات رو اینجا بکشم بعد برم تا موقع رجعت در **stand by** بمونم...
خیلی بحث‌های فوق‌العاده‌ای، پاسخش رو بگم؟ نه نمی‌گم، روی این باید کار بشه و زحمت بکشید و سوالاتی است که همیشه در ذهن ماندگار و مطرح میشه، اینم جوابشه که مثلا همون که: اولاً اختیاری نیست، دوماً کی گفته هر کی برگرده دیگه (اگر اینجا گناه کنه و اگر توفیق پیدا کنه که دوباره باز برگرده) بتونه توبه کنه؟ مگه میشه؟! مگه امکانش هست؟

خب موفق و موید باشید، ببخشید اگر نتوانستم اون‌جوری که باید بحث رو ارائه کنم، عذرخواهم.

جهت خشنودی قلب نازنین حضرت صلوات

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

حجة الاسلام و المسلمین حسینی

موضوع: رجعت

تاریخ: پاییز ۹۵ هجری شمسی